

Zemiology of Academic Misconducts; Criminological Critics on the Imbalance of Academic Power Relations

Mahdi Khaghani Esfahani*

Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

Abstract

The predominance of power relations in academic environments, including deviations from the worthy path of thought, leads to the consecration of the position of thinkers and the epistemological reflection of their scientific achievements. Power is not used without knowledge and it is rare that power is not the source of knowledge. All sciences are mature and synergistic based on the premise and establishment of knowledge and power relations. Measuring the discourses related to power and knowledge reveals a special effect in the reflection of power and knowledge relations, which is the power-seeking of a few academics in some educational and research centers of the world. A rare but dangerous manifestation of the wide field of power-seeking is bully-like academic misbehavior, which, in the form of white-collar workers who are not criminalized, causes an imbalance in the relations between power actors in academic environments; It is a type of purposeful, complex and mostly hidden behavior in some academic environments, which is committed with the aim of threatening, subjugating or rejecting the victim's softness.

With the aim of knowing the manifestations and legal-structural factors of the phenomenon of "academic bullying" from the zoological-criminological perspective, this research investigates the hypothesis that the lack of amendment and approval of the "Mental Health" bill, the lack of formulation of the "Job Design Bill" (especially in the department of academic staff members), failure to amend disciplinary laws and regulations and promotion of academic staff members of educational and research institutions of the Ministry of Science, the continuation of defects and gaps in the "instructions on how to deal with the abandonment of the legal duties of managers and employees and its prevention" and laxity in the implementation That, and the weakness of competent legal policy in preventing academic violations and

* khaghani@samt.ac.ir

How to Cite: Khaghani Esfahani, M. (2023). Zemiology of Academic Misconducts; Criminological Criticism of the Imbalance of University Power Relations. *Journal of Criminal Law Research*, 12(45), 9-44. doi: 10.22054/jclr.2024.73972.2593.

reacting to them, is a significant distance from the rule of "legal state" and "knowledge preservation" among the inadequacies of Iran's criminal policy in maintaining the health of academic relations. The increasing growth of this challenge causes the flow of pseudo-science to increase and to strengthen the suspicion of fabrication and unreality of a significant part of the created knowledge according to the claim of some scientific institutions of the country.

The most important cultural-attitudinal factors of academic corruption can be considered as follows: the incorrect understanding of the place of knowledge in the development of society and governance, mass and degree-oriented higher education, the disorganization of the major unemployment crisis of graduates, the big market of scientific fraud and its spread from fraudulent students to professors applying for fraud, the discourse of commodification of higher education, populism and managerial populism, the decline of scientific creativity in society, the reduction of public trust in scientific mechanisms, the weakness of the knowledge and skills of graduates, and the effect of corruption in other forms on misconduct in academic behavior.

"Criminal personality theory", "interactionism theory", "organizational critical theory", "anomie theory", "social strain theory", "labeling theory", "weakness of self-control theory", are among the most prominent critical criminological theories which, in connection with the teachings of organizational behavior and human resource management, have the ability to explain the reasons for "academic bullying". These theories also have the ability to provide solutions for situational and social crime prevention methods, primary and secondary and prevention methods, and specific and criminal/non-criminal prevention methods to reduce power imbalance factors in academic relations. On the other hand, and from the perspective of victimologic criminology, victims of academic bullying, in addition to being victims of abuse of power by their academic colleagues, are also considered victims of governmental crime; Because the lack of legal regulations to prevent academic bullying is a feature of the neglect of the government system in protecting academic freedom and peace, and it encourages academic bullies in this non-criminalized bullying. Also, the existence of administrative regulations and organizational procedures for promotion of scientific rank of university scholars, whose gross defects and major inadequacies have been widely criticized, are other manifestation of government crime.

This article, in the context of zemiology, discusses what capacity critical criminology has in strengthening criminal policy to control academic bullying (severe abuses that are highly contrary to the dignity and ethics expected from the environment of educational and research institutions). Therefore, after examining the research background of the subject and describing the effects

[11] **Zemiology of Academic Misconducts...; Khaghani Esfahani**


of this phenomenon that violates the ethics of knowledge, and by explaining the theoretical foundations help reduce the imbalance of power in academic relations, and discusses ability of some criminological theories in the etiology of academic bullying.

Keywords: Critical Criminology, Academic Bullying, Academic Victimization, Research Infractions, Academic Power Relations, Law-Violating Regulations.



زمینولوژی بدرفتاری‌های آکادمیک؛ نقد جرم‌شناختی ناموازنه‌ی روابط دانشگاهی قدرت

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران.

مهدی خاقانی اصفهانی * 

چکیده

غلبه‌ی مناسبات قدرت بر محیط‌های آکادمیک، از جمله انحراف‌ها از مسیر شایسته‌ی اندیشه و موجب تخدیش جایگاه اندیشه-ورزان و کژتابی معرفتی دستاوردهای علمی ایشان است. قدرت بدون دانش اعمال نمی‌گردد و نادر است که قدرت منشأ دانش نباشد. عموم علوم بر اساس پیش‌فرض و تأسیس روابط دانش و قدرت، نضج یافته و هم‌افزا هستند. سنجش گفتمان‌ها در ارتباط قدرت با دانش، پرده از یک جلوه‌ی ویژه در کژتابی روابط قدرت و دانش برمی‌افکند، که همانا قدرت-طلبی معدودی از دانشگاهیان در برخی مراکز آموزشی و پژوهشی جهان است. یک نمود کم‌شمار اما پرخطر از ساحت گسترده‌ی قدرت‌طلبی، بدرفتاری‌های آکادمیک قلدرگونه است که در قالب بزه یقه‌سفیدی جرم-تخلف‌انگاری‌نشده، موجب ناموازنگی روابط کنشگران قدرت در محیط‌های دانشی می‌گردد؛ نوعی رفتار هدفمند، پیچیده و عمدتاً پنهان در برخی محیط‌های آکادمیک است که با هدف تهدید، مطیع‌ساختن یا طرد نرم قربانی ارتکاب می‌یابد. جستار حاضر، با هدف شناخت جلوه‌ها و عوامل قانونی-ساختاری پدیده‌ی «قلدری آکادمیک» از منظر زمینولوژیک-جرم‌شناختی این فرضیه را پی می‌جوید که عدم اصلاح و تصویب لایحه‌ی «سلامت روان»، عدم تدوین «لایحه‌ی طراحی مشاغل» (به‌ویژه در بخش اعضای هیئت علمی)، عدم اصلاح قوانین و مقررات انتظامی و ارتقاء اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشی وزارت عتف، تداوم ایرادها و خلأهای «دستورالعمل نحوه‌ی مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» و سستی در اجرای آن، و ضعف سیاستگذاری حقوقی شایسته در پیشگیری از تخلفات آکادمیک و واکنش به آنها، فاصله‌ی چشمگیر تا حاکمیت «دولت حقوقی» و «به‌زمامداری دانش» از جمله نارسایی‌های سیاست جنایی ایران در پاسداشت سلامت روابط آکادمیک است. رشد فزاینده‌ی این چالش، موجب فریبی جریان شبه‌علم و تقویت شبهه بر ساخت‌بودن و واقعی نبودن بخشی چشمگیری از دانش خلق‌شده به ادعای برخی نهادهای علمی است.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی انتقادی، قلدری آکادمیک، تخلفات پژوهشی، روابط دانشگاهی قدرت، مقررات تخلف‌زا.

مقدمه

«قلدری آکادمیک»^۱ به مثابه‌ی یک ناموازنه از قدرت در روابط آکادمیک، نوعی رفتار هدفمند پیچیده، پنهان و بدون خشونت علنی در محیط آکادمیک توسط یک یا چند نفر از اعضای هیئت علمی بر علیه یک همکار است که با هدف تهدید، تحقیر، طرد و آزار و اذیت او برای تبعیت از آنها یا ترک نهاد علمی سازمان انجام می‌شود. این نوع قلدری با توجه به استعداد، شخصیت، اهداف و رفتارهای فرد زورگو نسبت به زورگویی‌های معمول سازمانی، آثار مخرب بیشتری به دنبال دارد. با توجه به اینکه فرد زورگو استاد دانشگاه و باهوش است، فرآیند پیچیده‌ای را برای به‌دام‌انداختن قربانی طراحی و اجرا می‌کند و می‌کوشد تا ردی از خود باقی نگذارد.

تخریب شخصیت علمی قربانی، تضعیف، تحقیر و به‌حاشیه‌راندن او، اشاعه‌ی شایعات بی‌اساس، نظارت بیش از حد، تلاش برای یافتن عیوب قربانی، توطئه و استفاده از دوستان نزدیک قربانی برای خبرچینی، محدودسازی دسترسی قربانی به منابع سازمانی، نادیده‌گرفتن یا کوچک‌شماری موفقیت‌ها و بزرگنمایی خلأهای کوچک قربانی، ممانعت یا به‌تعویق‌انداختن ترفیعات او، دعوت قربانی به جلسات غیررسمی انضباطی و تهدیدهای مکرر کلامی یا کتبی به اخراج بر اساس اتهامات ساختگی یا بهانه‌های ناچیز، بازپس‌گیری مسئولیت‌های قربانی و اجبار به استعفاء، تعدیل و بازنشستگی پیش از موعد، از جمله رفتارهای ایدایی قلدران آکادمیک است. قلدران آکادمیک به شیوه‌ی هوشمندانه‌ای قربانیان را افرادی توصیف می‌کنند که کار با آنها سخت و غیرممکن است و آنها را مقصر مشکلات آکادمیک می‌دانند. آنها به دروغ، قربانیان را به شروع ناسازگاری و خشونت در سازمان متهم می‌کنند. البته مثال‌های مذکور، بارزترین و سهل‌الکشف‌ترین جلوه‌های قلدری آکادمیک است و این نوع قلدری، قلمروی بسیار گسترده و نمودهای وسیعی دارد که بسیار بسیار کم‌پژوهیده، و از منظر تحلیلی علوم جنایی و جرم‌شناسی در فضای علمی کشور، به‌جرات، ناپژوهیده است.

1. Academic Bullying.

قلدری آکادمیک، نمودی از انحراف در روابط قدرت است؛ واژگونی شایستگی علمی و رذالت علمی‌نما. از این رو، می‌تواند موضوع مطالعه‌ی جرم‌شناسی انتقادی باشد. در این خوانش از جرم‌شناسی، پدیده‌ها برساخت‌هایی برآمده از متن و زمینه‌ی خاص تاریخی، فرهنگی و اجتماعی هستند و واقعیت، به صورت مستقل ساخته نمی‌شود. گفتمان و زبان، در این نگرش زبان‌شناسانه‌ی حقوقی، صرفاً ابزاری برای برقراری ارتباط بین آدمیان در بیان تفکراتشان نیست، بلکه مهم‌تر از آن، متن و زمینه‌ای است که فرایند برساخت هویت و تفکر - برساخت دانش در نهادهای آکادمیک - در درون آن و از طریق آن، و با توجه به متغیرهای گفتمانی و پیچیدگی‌های ابزاری یا ارتباطی بودن خرد در تولید دانش صورت می‌گیرد. قلدری آکادمیک، در تقابل با عقلانیت ارتباطی^۱، جریان تولید و توسعه‌ی دانش در نهادهای علمی را از یک واقعیت عینی متحول محرف می‌کند و به یک برساخت متوهم - شبه علم - فرو می‌کاهد. قلدری آکادمیک، دانش را برساخت‌گرایانه و نه واقعی و حقیقی به پیش می‌برد و به واقع، آن را به پیش نمی‌برد. این نوع قلدری، یک جریان لوث و فاسد از پیشرفت علم است و دانشی که در شرایط قلدری آکادمیک ادعای پدیداری نماید، بر اندیشه‌ورزی آزاد استوار نیست، بلکه یک دانش توتالیتیر و تحکمی و مبتنی بر واهمه و کتاب‌سازی صوری و مقاله‌پردازی کمی است. «جرم‌شناسان انتقادی بر این عقیده‌اند که علل اصلی بزهکاری نه در شخص مجرم و معیارهای زیست‌شناختی و شخصیتی او، بلکه در همین ساختار نابرابر جامعه، که ممکن است در مدل‌هایی نظیر اشکال نژادپرستانه، تبعیضات جنسیتی و یا نابرابری طبقاتی [و ستم‌های سازمانی] تجلی پیدا کند و نهادینه شود، متبلور شده است» (ایرانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۸). جرم‌شناسی انتقادی، بر پایه‌ی تحلیل نقش روابط نابرابر قدرت در وقوع کجروی و تخلف و جرم، منظر آسیب‌شناختی مناسبی برای علت‌شناسی پدیده‌ی قلدری آکادمیک و ارائه‌ی راهکارهایی برای پیشگیری و مجازات آن، به دانش سیاست جنایی است.

۱. عقلانیت ارتباطی، در مقابل عقلانیت ابزاری، آموزه‌ی یورگن هابرماس، فیلسوف و جامعه‌شناس آلمانی معاصر، است که با تحول «مکتب فرانکفورت» در چارچوب سنت پراگماتیسم آمریکایی، منتقد پوزیتیویسم مدرن و حامی دگرگونی ساختاری حوزه‌ی عمومی است.

قلدری آکادمیک، جلوه‌ای از اقتدارگرایی حق‌ستیز است. اقتدارگرایی در بافت حقوقی و خصوصاً سیاستگذاری جزایی، معرف حوزه‌ای است که در آن ایجاد توازن میان حقوق و آزادی‌های فردی در پی مداخله‌ی حاکمیت در قوانین و رویه‌های تنظیم‌گر رفتارهای سازمانی، به حتی نادرستی از فشار، تنش و بحران می‌رسد؛ چنانکه «آزادی‌ها به شدت نقض می‌شود، کنترل اجتماعی و تحدید حق‌ها توسط ریزسیستم‌های دولتی (خرده‌نظام دولتی حقوقی، اقتصادی، دانشگاهی و...) سازمان‌مند و شکلی ناظم یا شافی به خود می‌گیرد، قواعد و اصول کرامت انسانی در حقوق و خصوصاً حقوق کیفری مخدوش می‌شود» (خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۲: ۷). با ظهور پارادایم نئولیبرال، اغلب آنچه تحت پوشش اصلاحات در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها روی داد، با منافع مالی در پیوند بوده و این انحراف خطیر اما خاموش، رفته‌رفته آزادی علمی و استقلال دانشگاهی را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی تضعف و تخریب نمود. در تحلیل این رویکرد، دولت نقش مراکز آموزشی و پژوهشی را تا سطح بنگاه اقتصادی فرو کاسته و به زیر کشانده است و نهاد دانش را با منطق سودانگاری نئولیبرال سنجش می‌کند. دانشگاه‌ها شاهد رسوخ این نگرش شوم در خردترین سطوح نظیر تغییر آیین‌نامه‌ها، ضوابط و رویه‌ها هستند که تأمین مالی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها را بر کیفیت و اثربخشی دانش ترجیح می‌دهد.

از لحاظ پیشینه‌ی پژوهش، آثار بسیار اندکی به فارسی و حتی انگلیسی، در زمینه قلدری آکادمیک منتشر شده، و هیچ پژوهشی با رویکرد جرم‌شناسی یا هر یک از دیگر علوم جنایی، نسبت به قلدری آکادمیک نشر نیافته است. در فقدان پژوهش داخلی پیرامون رویکرد حقوقی به تحلیل قلدری آکادمیک، از جمله مهم‌ترین آثار پیرامون قلدری آکادمیک به طور کلی، می‌توان به برخی آثار اشاره نمود. در پژوهش‌های داخلی، رشیدی (۱۴۰۰) در کتاب «قلدری آکادمیک» به تبیین برخی جلوه‌ها و عوامل این پدیده در نظام دانشگاهی پرداخته و البته تمرکز بر نمودهای قلدری آکادمیک در دانشگاه‌های ایران ندارد. وی اما در مقاله‌ای مشترک با عنوان «مطالعه‌ی قلدری دانشگاهی در گروه‌های آموزشی؛ مورد مطالعه (علوم انسانی و فنی‌ومهندسی)» نشان داده بر پایه‌ی نتایج آزمون رگرسیون، عوامل سازمانی نسبت به عوامل فردی با قدرت بیشتری در گروه علوم انسانی قلدری را پیش‌بینی می‌کند و از میان

عوامل مؤثر، همانا عوامل سازمانی و عوامل قوانین و مقررات و رهبری دانشگاهی، ضمن داشتن رابطه معنادار و غیرمستقیم با قلدری، نسبت به دیگر مؤلفه‌ها (تأهل، پراکندگی جغرافیایی، قومیت و...) قدرت بیشتری در تبیین قلدری دارند. قائدامینی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای مبتنی بر یک پژوهش آماری با عنوان «الگوی ساختاری رابطه‌ی قلدری سازمانی با مقاومت در برابر تغییر در اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال» نتیجه گرفته اند که قلدری سازمانی بر مقاومت در برابر تغییر، تأثیر معنادار دارد و موجب فرسودگی شغلی، و تبعاً کاهش تعهد و اعتماد می‌شود که آن نیز منجر به افزایش مقاومت در برابر تغییرات سازمانی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال می‌گردد. پژوهش‌های داخلی و خارجی در مورد بررسی دیدگاه اعضای هیئت علمی پیرامون قوانین و مقررات دانشگاه‌ها نشان می‌دهد که این ضوابط حقوقی آنچنان تدوین شده اند که خود به ابزاری در دست عامل قلدری بدل شده اند (Zabradoska & Kveton, 2013). این چالش در جرم‌شناسی، در قالب جرم‌شناسی انتقادی مطرح است و نقش مقررات تخلف‌زا و جرم‌زا را در تشویق غیررسمی به ارتکاب جرم بررسی می‌کند. ام. چان، استیون (۱۳۹۸) در کتاب «استادان و ناستادان» جلوه‌های محدود و اندکی از برخی سوءاستفاده‌های استادان از برتری جایگاه خود در روابط دانشگاهی را در قالب تحلیلی جامعه‌شناختی در بافت رفتار سازمانی دانشگاهی ذکر کرده و تدابیری در نظام آموزش عالی چند کشور غربی را جهت پیشگیری و واکنش اداری-فرهنگی به چنین استادنمایی بیان داشته است. کیشلی (Keashly, 2021) در کتاب «قلدری، آزار و اذیت و خشونت در دانشگاه: تجربه‌ی اعضای هیئت علمی» از ابعاد مختلف به بررسی قلدری در بیش از ۱۰ دانشگاه آمریکا پرداخته است. کیم کمرون بعنوان اولین دانشمندی که در زمینه‌ی مفهوم‌سازی «فضیلت سازمانی» تلاش کرده است، مفهوم قلدری سازمانی را هرگونه اقدامات فردی و فعالیت‌های جمعی، ویژگی‌های فرهنگی و یا فرآیندهایی عنوان نموده که انتشار و حفظ ویژگی‌های فضیلت‌محور سازمان را قادر می‌سازد (Cameron, 2003). نتایج پژوهش‌های گوناگون در سازمان‌ها (Spagnoli & Balducci, 2017) نشان می‌دهد که قلدری در سه سطح دوتایی و

بین فردی (Carretero & Luciano, 2013)، گروهی یا میانی،^۱ و نیز در سطح سازمانی و کلان بروز می‌کند. در قلدری در سطح سازمانی و کلان، سازمان خود نقش قلدر را بازی می‌کند و از ناعادلانه‌بودن نظام‌های سازمان سخن می‌گوید. «یکی از عواملی که می‌تواند موجب مقاومت کارکنان در برابر تغییر شود، قلدری کارکنان است» (قاندامینی هارونی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴). مقاومت رفتاری همکاران در برابر تغییرهای مثبت، پویایی خواهی همکاران خلاق را به مقاومت همکاران قلدر و نهایتاً بزه‌دیدگی همکاران خلاق مبدل می‌کند. همچنین یانگ (۲۰۱۷) نشان داده که در آمریکا بعنوان کشوری پیشرو در زمینه‌ی تدوین قوانین و ضوابط مقابله با رفتارهای مخرب و قلدرانه در محیط دانشگاه، هنوز حوزه‌ی آسیب‌های روان‌شناختی را به خوبی پوشش نداده و بعید است که ادعای خسارت اعضای هیئت علمی فراتر از مسائل فیزیکی رفته و شامل جبران صدمات روانی و معنوی نیز گردد. حقوق آمریکا - که در قریب به تمام مسائل حقوقی، پیشرو در جهان است - برخی شکل‌های پرخاشگری منفعل را به رسمیت نمی‌شناسد. این به رسمیت‌نشاسی حقوقی را می‌توان از پیچیده‌ترین نمودهای «جرم حکومتی» دانست که موجب تجرّی بزهکاران (قلدرهای آکادمیک) و بی‌پناهی حقوقی بزه‌دیدگان (اساتید قربانی قلدری آکادمیک) می‌گردد.

پژوهش‌های پیش‌گفته، پدیده‌ی قلدری آکادمیک را از منظر علوم غیرحقوقی، نظیر مدیریت منابع انسانی و سیاست‌گذاری علم تحلیل کرده‌اند و این چالش بغرنج که صدمه‌ای فاحش و ناباورانه‌ای به مسیر پیشرفت دانش و سلامت معنوی اساتید و پژوهشگران در محیط‌های آکادمیک می‌زند و موجب انحراف نتایج پژوهش‌ها و پیامدهای وخیم وسیعی

1. Dyadic and interpersonal level.

۲. برحسب تعریف‌های متنوع، جرم حکومتی را حکومت بعنوان یک کل یا توسط مجموعه‌ای از سازمان‌های حکومتی و شخصیت‌های حقوقی مرتکب می‌شود. برخی دیگر، آن را رفتار سازمان‌مند هیئت حاکمه‌ی یک کشور در جهت نقض یا نادیده گرفتن حقوق شهروندان آن کشور تعریف کرده‌اند. طبق دیگر پژوهش‌ها، جرم حکومتی شیوه‌های سازمان‌یافته‌ای است که به منظور پیگیری اهداف و منافع حکومت انجام شده‌اند. همچنین بر اساس نظر برخی دیگر، جرم حکومتی اقدامات غیرقانونی، ضداجتماعی و ظالمانه‌ای است که برای منافع حکومت‌ها یا نهادهای حکومتی و نه برای سود فردی بروز می‌یابد (بنگرید به: روت و کازلاریچ، ۱۴۰۰، مقدمه). تعریف دوم از میان تعاریف پیش‌گفته - نقض یا نادیده گرفتن حقوق شهروندان، بویژه نوع انفعالی، یعنی نادیده گرفتن ترک‌فعل گونه - بهتر می‌تواند نشان دهد نبود قوانین پیشگیرانه و پاسخ‌گر بر قلدری آکادمیک، از جمله جرایم حکومتی است.

در پی آن می‌گردد، مورد توجه تحقیقات حقوقی در کشورمان نبوده و نه تنها هیچ پژوهشی در حوزه جرم‌شناسی و سیاست جنایی در این باره منتشر نشده، بلکه حتی یک مقاله از منظر حقوق عمومی یا دیگر گرایش‌های حقوق در تحلیل این چالش و خیم، توسط نگارنده یافت نشد.

مقاله، در سیاق زمیولوژی، بحث می‌کند که جرم‌شناسی انتقادی چه ظرفیتی در تقویت سیاست جنایی جهت کنترل قلدری آکادمیک (سوءرفتارهای شدید و بشدت مغایر شأن و اخلاق مورد انتظار از محیط نهادهای آموزشی و پژوهشی) دارد. از این رو، پس از بررسی پیشینه‌ی پژوهشی موضوع و شرح جلوه‌های این پدیده‌ی ناقض اخلاق دانش، و با تبیین مبانی نظری برساخته برای کاهش ناموزنگی قدرت در روابط دانشگاهی، کاربست برخی نظریه‌های جرم‌شناسی مرتبط برای علت‌شناسی قلدری آکادمیک را ارائه می‌نماید و در ادامه، جلوه‌هایی از انفعال مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و قوانین مبارزه با تقلب علمی در برابر این نوع سوءروابط قدرت را نشان داده، راهکارهای اصلاحی برای تقویت سیاست جنایی ایران در پاسداشت آزادی آکادمیک از سلطه و تکریم شرافت پژوهش ابراز می‌دارد.

۱. بدرفتاری‌های دانشگاهی مصداق «قلدری آکادمیک»، معنا و جلوه‌ها

واژه‌ی *Bullying* که در برگردان فارسی آن، از کلماتی مانند قلدری یا زورگویی استفاده شده، با نظر به ویژگی‌های بافت آموزش عالی و کنشگران فرهیخته‌ی آن، واقعاً معادل درخور و شایسته‌ای جهت ترسیم واقعیت رفتارهای ضدآکادمیک برخی آکادمیسین‌ها (استادان دانشگاه و پژوهشگران) به نظر نمی‌رسد. اما صرف نظر از این محدودیت در برابر نهادهای، اصل کلام در شناخت این پدیده آن است که «قلدری آکادمیک، پیوند پویا و دوسویه‌ای میان دانشگاه و کنشگران آن است و پدیده‌ی اجتماعی چندعلتی است که طیف گسترده‌ای از سطوح از جمله عوامل فردی و سازمانی را در بر می‌گیرد» (رشیدی و روحانی، ۱۴۰۱: ۱۰۸). کشمکش و سوءمدیریت در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، موقعیت‌های ساختاری و میان‌فردی را برای بروز اختلاف و امکان ارتکاب قلدری در این محیط‌ها فراهم می‌کند. تبیین مفهوم، مبانی، جلوه‌ها و پیامدهای پدیده «قلدری آکادمیک» به مثابه‌ی یکی از

گونه‌های پیچیده و تاریک سوءرفتار در محیط‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی، زمینه‌ی برگزینش آموزه‌های علت‌شناسانه و پیشگیرانه پیرامون فساد و قلدری سازمانی/دانشگاهی، از نظریه‌های جرم‌شناختی تعارض فرهنگی، فشار اجتماعی، انتقادی، سازمانی، برجسب‌زنی، تعامل‌گرایی، و خودکنترلی را فراهم می‌کند. دسته‌بندی تنقیحی و آسیب‌شناسی جزئی مواد قوانین و مقررات بسترساز قلدری آکادمیک و ضوابط حقوقی منفعل در مهار این پدیده، در قوانین و مقررات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و قوانین و مقررات عمومی و اداری-استخدامی کشور نیز امکان پیشنهاد متن جایگزین مواد قانونی نادرست، به منظور کاهش گلوگاه‌های حقوقی قلدرساز در محیط‌های آکادمیک را مهیا می‌سازد. این مهم پیش‌گفته، در ربط مفهومی تنگاتنگ با ترسیم الگوی مطلوب میان‌رشته‌ای تعامل بینارشته‌ای سیاست جنایی، مدیریت منابع انسانی، سیاست‌گذاری علم و روان‌شناسی سازمانی جهت تغییر مسیر از دانش برساخته و شبه‌علم‌وار، به دانش حقیقی رها از تحکیم‌های سازمانی و پژوهش‌های دستوری و سفارشی و مُنقاد است.

رفتارهایی که قلدری محسوب می‌شوند ویژگی‌هایی دارند، از جمله: شدت، تکرار یا تناوب رویداد، مدت زمان ارتکاب، فراگیری و پایداری، تحریف‌شدگی الگوهای ارتباطی میان مرتکب و قربانی قلدری و ضعف وی در دفاع از خود. اما رفتارهای قلدری در محیط کار، به پنج دسته تقسیم شده است: ۱- تهدید شغلی، کم‌ارزش جلوه‌دادن قربانی و متهم کردن وی به ضعف تلاش شغلی، ۲- تهدید شخصی، صدازدن فرد به اسم کوچک، و انواع ایذاءهای آشکار و پنهان، ۳- جداسازی به شکل ممانعت از دسترسی به فرصت‌های حرفه‌ای، جداسازی فیزیکی ناموجه فرد از همکارانش، ۴- انتظار کاری نامتعارف، اجبار فرد به انجام کارهای بیشتر، قراردادن مهلت‌های ناممکن برای اتمام کارهای محوله، و ایجاد وقفه‌های مداوم در کار فرد، ۵- بی‌ثباتی، بی‌اهمیت جلوه‌دادن کار فرد، بی‌ارزش‌نمایی تلاش‌ها و دستاوردهای فرد. قلدری سازمانی، بویژه قلدری آکادمیک، به دو صورت مستقیم و نیابتی ارتکاب می‌یابد. در قلدری نیابتی، هم فردی که نیابتاً اقدام به قلدری کرده است و هم قربانی اصلی، هر دو قربانی قلدری دیگری هستند که در خفا اقدام به قلدری کرده است.

پژوهش‌های متعددی (صفایی، ۱۳۹۶؛ سلیمی و دیگران، ۱۴۰۰) نشان داده‌اند که امید

به تقویت شاخص‌های اخلاق آکادمیک از جمله کاهش منفعت‌گرایی و تنگ‌نظری دانشگاهی، با مشاهده رشد فزاینده‌ی کزرفتاری‌های علمی در میان کنشگران اصلی نهاد علم (دانشجویان و اساتید و پژوهشگران) با تردید مواجه شده است. ظهور و وقوع کزرفتاری‌هایی چون سوق‌یافتن پژوهش‌های دانشگاهی در مسیر اهداف شرکت‌های خصوصی در جهت برخورداری از منافع مادی، تحریف دستاوردهای تحقیق، تحصیل داده‌های تحقیق از تجربه‌های غیرواقعی و کذب، تصاحب و اقتباس نامشروع و بدون ارجاع پژوهش‌های دیگران، سوءاستفاده از موقعیت قدرت در پیشبرد مراحل حصول مدرک دانشگاهی و ارتقای علمی، اجاره‌گری علمی و نیز رکود و عدم روزآمدی مهارت‌های دانشگاهی باعث شده است تا تصویر دانشگاهیان در جامعه دچار خدشه شود. اینکه پژوهش‌ها نشان می‌دهند «اغلب دانشجویان معتقدند دانشگاه نقش چندانی در توسعه‌ی مهارت‌های کاربردی در آنها ایجاد نکرده است و دروس صرفاً مجموعه‌ای از حقایق غیرکاربردی را به آنها عرضه داشته‌اند» (قانع‌ی راد و خسروراد، ۱۳۹۰؛ خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۱) و صاحبان مشاغل هم فارغ‌التحصیلان را فاقد مهارت‌های لازم برای فعالیت در دنیای واقعی کار می‌دانند،^۱ به عوامل متعددی برمی‌گردد، که قلدری آکادمیک از مهم‌ترین آنهاست. این نوع قلدری، شامل انواع فرعی قلدری پژوهشی، قلدری آموزشی، قلدری مالی و قلدری جنسیتی می‌شود و پیامدهایی از جمله بازتولید استثمار دانشگاهی، تقلب‌پروری و افول نهاد علم می‌گردد.

این پدیده‌ی علم‌ستیز، بنیان خلاقیت علمی و پویایی دانشگاهی را هدف قرار می‌دهد و «دامنه‌ی پیامدهای وخیم آن، فراتر از یأس علمی و سرخوردگی سازمانی اساتید قربانی قلدری آکادمیک است؛ و همانا خانواده و سلامت روان و حتی سلامت پوست و مو و کبد و کلیه‌ی استاد قربانی را نشانه می‌رود» (See: Duffy, 2007). اما قلدری سازمانی - و قلدری آکادمیک به مثابه‌ی یکی از گونه‌های خطر آن - چگونه در بنیان‌های نظری جرم‌شناسی

۱. در فروردین ۱۴۰۲، معاون اشتغال وزیر کار از وجود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بیکار در کشور بر اساس اعلام مرکز آمار ایران خبر داده و گفته است ۴۰ درصد از این تعداد جمعیت بیکار را جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کم‌مهارت تشکیل می‌دهند (ایسنا، کد خبر: ۱۴۰۲۰۱۱۵۰۶۱۳۴).

قابل علت‌شناسی است و چه راهکارهای پیشگیرانه‌ی جرم‌شناسانه‌ای قابل پیشنهاد به سیاست جنایی کشورها - با تأکید بر سیاست جنایی ایران - در راستای مهار قلدری آکادمیک است؟ جهت پاسخ به پرسش مذکور باید به ظرفیت جرم‌شناسی انتقادی در شناسایی پدیده‌های منحرفانه و مجرمانه‌ی چندوجهی و ناشی از پیچیدگی‌های مدرنیته و روابط غیربسیط انسانی در محیط‌های تخصصی که گاهی به شکل جرایم غیرسنتی بروز می‌یابد، اشاره کرد. توضیح آنکه، جرم‌شناسی انتقادی - که در گذار از خوانش سنتی جرم‌شناسی (یعنی جرم‌شناسی جریان اصلی) مطرح است - شامل گرایش‌های متعددی است. ۱. نقد روابط ناعادلانه‌ی قدرت در سازمان‌های بستر تخلف، حوزه‌ی مورد مطالعه مشترک زبان‌شناسی حقوقی و جرم‌شناسی انتقادی پست‌مدرن است که باور دارد «روابط قدرت از طریق گفتمان است که سوژه‌ها و ابژه‌های جرم را شکل می‌دهد و اگر روابط قدرت تغییر کند سیاهه‌ی جرایم نیز تغییر می‌کند» (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۲۰). بر این اساس، در سنجه‌ی جرم‌شناسی پست‌مدرن، تغییر روابط قدرت در نظام‌های دانشگاهی و نهادهای پژوهشی - که ناشی از تغییر سیاست‌های علمی کشور و تغییرات انسانی اساتید و دانشجویان و تحولات فناوری علوم است - آشکال سوءاستفاده از قدرت را دائماً متغیر می‌سازد و جلوه‌های قلدری آکادمیک را پیوسته پیچیده‌تر می‌کند.

تغییر الگوهای فرهنگی رفتارهای دانشگاهی در تنیدگی با پیدایی انگیزه‌ها و جلوه‌های جدید بدرفتاری آکادمیک، لزوم تقویت تعامل نظریه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن، فرهنگی، سبک زندگی، فشار اجتماعی، تعامل‌گرایی و برچسب‌زنی را به‌منظور تمرکز بر علت‌شناسی دقیق قلدری‌های آکادمیک و عوامل خاص ارتکاب آن و شیوه‌های افتراقی پیشگیری و واکنش حقوقی (اداری انضباطی، جامعوی، کیفری و...) ضرورت می‌بخشد. تنها با تعامل مؤثر نظریه‌های جرم‌شناسی انتقادی، رهیافت‌های سیاست جنایی برای کاهش این جرم یقه‌سفیدی جرم‌انگاری‌نشده - قلدری آکادمیک - میسر است؛ وگرنه آمار سیاه بدرفتاری‌های علم‌ستیز، فزاینده می‌گردد و سیاست جنایی در مهار آن، به ناتوانی می‌گراید.

۱. جهت مطالعه‌ی تفصیلی دیگر گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی، ر.ک. به: دکسردی، والتر اس. (۱۳۹۴)، *جرم‌شناسی انتقادی معاصر*، ترجمه و تحقیق از: مهرداد رایجیان اصلی، و حمیدرضا دانش ناری، چاپ دوم، نشر دادگستر.

۲. علت‌شناسی جرم‌شناختی «قلدری آکادمیک»

ارتباط علمی، به دانش بعنوان یک هستی مستدیر و یک شبکه‌ی مشحون از تعامل‌های پیچیده می‌نگرد و نه یک خط مستقیم تهی از زاویه‌های گوناگون. «قلدری سازمانی» - که قلدری آکادمیک از انواع آن است - نوع پیچیده‌ای از انحراف در ارتباط علمی است و پیامدهای بسیار ناگواری بر افراد، خانواده‌ها، سازمان‌ها، اقتصاد، و در کل جامعه می‌گذارد. در مقررات آموزش عالی گویا آفتی پایان‌نیافتنی وجود دارد که مهم‌ترین شاخصه‌های آن را می‌توان در کم‌توجهی مفرط به ملاک‌های متفاوت نهادها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهش، رقابتی کردن سازکارهای ترفیع و ارتقا و تبدیل وضعیت استخدامی، برابرنگاری همه‌ی اعضای هیئت علمی رشته‌های مختلف، ضعف واقع‌نگری در خروجی‌های برون‌داده‌های علمی اساتید، ضعف آزادی علمی و استقلال دانشگاهی و عواملی از این دست جستجو کرد. مهم‌ترین عوامل «قلدری آکادمیک» عبارتند از: ضعف نیازسنجی و اعلام نیاز صوری به جذب اعضای هیئت علمی و ترجیح نادرست جذب بر اساس همخوانی ایدئولوژیک بجای معیارهای قانونی، دخالت منافع شخصی در نیرویابی، ترجیح ملاک‌های غیرعلمی برای صلاحیت عمومی، عدم استفاده از کدهای رفتاری موجود در منشور اخلاقی رفتاری اساتید و فقدان اهتمام به این منشور در بسیاری از مراکز آموزشی و پژوهشی، بهره‌بردن از معیارها و روش‌ها و فنون ترکیبی برای استخدام اساتید، نبود کمیته‌های مصاحبه‌کننده حرفه‌ای در فرایند استخدام، اعمال نظر شخصی در مصاحبه‌ها و انتخاب بر مبنای هواخواهی، فضای غیررقابتی و غیرعادلانه در انتخاب و انتصاب به پست‌های مدیریت حرفه‌ای، مداخله در امور داخلی منابع انسانی مراکز علمی، دخالت دولت در جذب کارکنان متأثر از جریان‌های سیاسی، ضعف زیرساخت‌های حقوقی مناسب ضد تبعیض و فساد، عدم کفایت بودجه‌ی منابع انسانی و نظام تأمین منابع انسانی دانشگاه‌ها، اشکالات موجود در مقررات اجرایی قانونی حاکم بر گزینش، تحقیق، مصاحبه، عزل و نصب گزینشگران، صدور رأی و رسیدگی به شکایات، اجرای ظاهری و تفسیری مقررات، حاکمیت دیوان‌سالاری سنتی و ضعف استقلال آکادمیک، رابطه‌گرایی و سیاسی‌کاری و خویشتاوندسالاری و رفیق‌نوازی، انتصاب و اشتغال

بدون آموزش، ضعف دسترسی به بخشنامه‌ها و کم‌اطلاعی حقوقی و اداری اساتید و کارکنان مراکز علمی، و عدم روان‌سنجی متناوب مدیران مراکز علمی.

با توجه به اینکه «اصول ساختارمندانه‌ی پیشگیری از جرم - بویژه میان‌نهادی‌بودن و جامعوی‌بودن - چگونگی ایفاء نقش نهادهای دولتی و جامعوی و وضعیت پایداری نظام پیشگیری از جرم را مورد توجه قرار می‌دهد و نبود ساختار نظام‌یافته‌ی پیشگیری استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولت و ملت برای کاهش شمار بزهکاری را امکان‌ناپذیر می‌سازد» (نیازپور، ۱۴۰۲: ۷۵)، مبانی نظری پیشگیری از قلدری آکادمیک در برخی نظریه‌های جرم‌شناسانه قابل کنکاش است. «نظریه‌ی شخصیت مجرمانه»، «نظریه‌ی تعامل‌گرایی»، «نظریه‌ی انتقادی سازمانی»، «نظریه‌ی بی‌هنجاری»، «نظریه‌ی فشار اجتماعی»، «نظریه‌ی برجسب‌زنی»، «نظریه‌ی ضعف خودکنترلی»، آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و اغلب شاخه‌های «جرم‌شناسی انتقادی»، از جمله برجسته‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی هستند که در پیوند با آموزه‌های علوم رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، قابلیت استخراج تبیین‌های علت‌شناسانه از «قلدری آکادمیک» را دارند و مجموعه‌ای از راهکارهایی پیشگیری وضعی و اجتماعی، پیشگیری اولیه و ثانویه و ثالث، و پیشگیری اختصاصی و کیفری/غیرکیفری جهت کاهش عوامل ناموازنه‌ی قدرت در روابط آکادمیک از آنها قابل طراحی است.

«با تغییر سبک‌های زندگی و روزمرگی‌های جدید و با ایجاد مدرنیته‌ها و حتی با نیاز به حفظ سنت‌ها در جوامع انسانی، احتیاج وافر به ارتقای سطح آموزش فرهنگی در جوامع وجود دارد. اهمیت این دشواره، بویژه از این جهت است که «کل سیستم اقتصادی، سیاسی، فناورانه و... به قابلیت نظام دانشگاهی وابسته است» (فکوهی، ۱۳۹۷: ۵۱). اگر واقعاً به رسالت ترویج علم پیشبرد شناخت در جامعه علاقه‌مندیم، باید دانش جرم‌شناسی انتقادی را در حیطه‌ی مطالعه‌ی زمیولوژیک بدرفتاری‌های دانشگاهی تقویت کنیم و خصوصاً قلدری‌های آکادمیک ناشی از خودنمایی‌های نوکیسگی فرهنگی و مدپرستی‌های سطحی در محیط‌های علمی را بشناسیم، ریشه‌یابی کنیم، و سیاست‌جنایی پیشگیرانه و واکنشی روزآمد و عالمانه‌ای را نسبت به قلدری آکادمیک تدوین کنیم.

از منظر دو نظریه‌ی جرم‌شناختی همنشینی‌های افراقی و فشار اجتماعی، این بُعد از قلدری

آکادمیک قابل توجه است که اعضای هیئت علمی در بدو ورود با مرتبه‌ی استادیاری فعالیت خود را آغاز می‌کنند و بازه‌ی زمانی مدیدی می‌طلبد تا با ارتقای مرتبه، امنیت شغلی بیابند. فشارهای واقعی و فشارهای ادراک‌شده‌ی ناشی از تجربه‌ی زیسته در مرتبه‌ی استادیاری پیمانی - که گاه ممکن است بیش از پنج سال به طور بینجامد - ای بسا سبب تغییر نگرش آنان به جایگاه علمی خود گردد؛ بدین معنا که در آغاز ورود نسبتاً دیدگاه آنان با اعضای هیئت علمی با مرتبه‌ی مربی نزدیک‌تر است و هر میزان از سابقه و دوره‌ی فعالیت آنان در کسوت عضو هیئت علمی می‌گذرد، با جذب شدن در جماعت‌های غیررسمی موجود در گروه آموزشی/پژوهشی، دانشکده و دانشگاه، دیدگاه متفاوتی می‌یابند. پژوهش‌ها (رشیدی، ۱۴۰۰: ۱۰۹؛ استیون، ۱۴۰۰: ۹۴) نشان می‌دهند استادیاران پیمانی با ورود به محیط‌های آکادمیک تحت سلطه‌ی اساتید قدیمی و رکودزده و بدبین به همکاران جوان پویا، رفتارهای پژوهش‌ستیز اساتید قدیمی هژمون را پیروی می‌کنند و ناخواسته به مرور، مانند آنها می‌شوند و صفات قلدری آکادمیک در آن شکل گرفته، از تک‌رفتارهای آنی تبدیل به ملکه‌های رفتاری و حتی خصائص پایدار شخصیتی می‌شود. آنها در این فرایند، جامعه‌پذیر می‌شوند. این وضعیت را می‌توان از دید نظریه‌ی «همنشینی‌های افتراقی» که ایده‌ی ریچارد کلوارد^۱ و آل‌کلاید اهلین^۲ بود تحلیل کرد. این نظریه همچون نظریه‌ی کوهن^۳، مفهوم فشار را در بستر خرده‌فرهنگ بانندی تبیین می‌کند، با این تفاوت که بزهدکاری را تابع الگوی سودجویی یا منفعت‌طلبی در نظریه‌ی «فشار اجتماعی» از رابرت مرتون می‌داند. تک‌رفتارهای قلدری آکادمیک ممکن است به تدریج به فرهنگ قلدری تبدیل گردد؛ فشار گفتمانی غیررسمی غالب بر روابط سلطه‌جویانه‌ی اساتید کم‌دانش و ناروزآمد بر اساتید جوان و پویا و مسلط به فناوری‌های نوین علمی و در عین قابلیت‌های رشد آکادمیک به جهت تسلط بر تألیف در حوزه‌های بینارشته‌ای^۴، جذابیت آموزشی نزد دانشجویان و توانمندی به کسب امتیازهای

1. Cloward.
2. Ohlin.
3. Cohen.

۴. ضعف برخی اساتید قدیمی در پژوهشگری بینارشته‌ای - که ای بسا در تشکیل انگیزه‌ی قلدری آکادمیک علیه اساتید جوان بی‌تأثیر نباشد - از آن جهت است که بینارشتگی به معنای ترکیب چندرشته‌ی سنتی نیست و برای برخی اساتید

متنوع آیین‌نامه‌های ارتقا، که مورد طمع اساتید کم‌فضل و نوپا بوده ممکن است فرهنگ فشارآوری سازمانی را در اساتید جوان، نهادینه کند.

در این بخش از مقاله، برخی از مهم‌ترین عوامل ساختاری (با تأکید بر قوانین و مقررات تخلف‌جرم‌زا، تشکیلات آکادمیک تخلف‌جرم‌زا، ضعف سیاست‌گذاری کلان توسعه و پالایش دانش) و عوامل فردی (روان‌شناختی توجیه‌گرانه، ناخودبازدارنده و تقلیدگرانه) که مؤثر در پیدایی و رواج پدیده‌ی قلدری آکادمیک است، اجمالاً در حد ظرفیت طرح در مقاله بحث می‌شود.

۲-۱. اهمّ «عوامل ساختاری» بدرفتاری آکادمیک

فراتحلیل کلی از پژوهش‌های حوزه‌ی بدرفتاری‌های آکادمیک را اینگونه می‌توان تجمیع دستاورد نمود که اهمّ عوامل حقوقی-اجرایی قلدری آکادمیک، شامل ضعف سازکارهای قانونی و مقرراتی قدرتمند و عدم هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، توسعه‌ی کمی آموزش عالی، حاکمیت گفتمان غیرعلوم انسانی بر ارتقاء اساتید رشته‌های علوم انسانی در آیین‌نامه‌ی ارتقا، عدم پیشگیری وضعی از تقلب در پژوهش از جمله عدم الزام به استفاده از همانندجویی در پذیرش طرح‌های پژوهشی و کتاب‌ها، ضعف زیرساخت‌های علمی فناورانه، عدم تقاضامحوری و تداوم عرضه‌محوری فارغ از مسئولیت اجتماعی نهاد علم و نیازهای جامعه، کمی‌شدن انتظارات رسمی از پژوهش، نقص شایسته‌سالاری و کاهش بهره‌وری و افت پاسخگویی حاکمیت، غلبه شعارگرایی بر شاخص‌های جهانی معتبر علم‌سنجی است؛ همچنان که مهم‌ترین عوامل فرهنگی-نگرشی فساد آکادمیک را می‌توان شامل نادرستی فهم از جایگاه دانش در پیشرفت جامعه و حاکمیت، بدفهمی مفهوم علم و آگاهی، آموزش

کلاسیک درک خطی از دانش دارند و مهارت‌های نو در صورت‌بندی شاخه‌ای و عنکبوتی دانش را مسلط نیستند. قلدری آکادمیک در این منوال، مولود عجز در گذر از ساختار درختی دانش، کم‌توانی در تحول عادت‌واره‌های استنتاجی و روایی علم، سستی در دگرواره کردن برنامه‌های پژوهشی و ساختارهای پداگوژیک است. پسادیسیپلین به معنای تغییر در سبک تولید دانش، تغییر در الگوی مبادلات علم و کنش علمی است؛ به معنای تحول اساسی در سیاست علمی، زندگی علمی، نهاد علمی و فرهنگ علمی عالمان است و رعایت این امور ناخودآگاه بسیاری از رفتارهای مخرب را در گروه‌های آموزشی بهبود می‌دهد؛ رعایت و تحولی که در فرهنگ قلدری آکادمیک منتفی است.

عالی توده‌ای و مدرک‌گرا، بی‌سامانی بحران اشتغال‌ناپذیری عمده‌ی فارغ‌التحصیلان، بازار بزرگ تقلب علمی و محدودنبودن آن به دانشجویان متقاضی تقلب و رسوخ گسترده به اساتید تقلب‌جو، گفتمان کالایی‌شدن آموزش عالی، عوام‌گرایی و پوپولیسم مدیریتی، افول خلاقیت علمی در اجتماع، و کاهش اعتماد عمومی به سازکارهای علمی، و ضعف دانش و مهارت فارغ‌التحصیلان و تأثیر فساد در گونه‌های دیگر بر بدرفتاری در این بخش دانست.

۱-۱-۲. فقدان «طراحی مشاغل» بویژه در سمت‌های دانشگاهی

تحلیل وضعیت «طراحی مشاغل» در کشور نشان می‌دهد نبود الگوی شایستگی اعضای هیئت علمی، خلأ مدل شایستگی برای مشاغل سطوح بالا، معیار قرار ندادن شایستگی‌های کلیدی مدیران دانشگاه‌ها، سوگیری در تعریف شایستگی اعضای هیئت علمی و کارشناسان آموزشی و پژوهشی نهادهای علمی، جای خالی ارزش‌ها، محدودشدن ابعاد گسترده‌ی الگوی شایستگی به اعتقادات به جای شایستگی همه‌جانبه، از جمله زمینه‌ها و بسترهای پیدایی روابط ناسالم قدرت در کرسی‌های تصمیم‌گیری آکادمیک (از مدیرگروهی تا ریاست دانشکده و پژوهشگاه و پُست‌های مدیریتی بالاتر) است و عوامل کلی و زمینه‌های پیشینی رویدادهای ناگوار بعدی - از جمله پدیده‌ی قلدری آکادمیک - را ایجاد می‌کند.

«مدیران ارشد دانشگاه باید اقدامات پیشگیرانه وضعی و اجتماعی مناسبی را جهت سختی‌افزایی زمینه‌های قلدری آکادمیک طراحی و اجرا کنند. آنها باید محیط کاری سالمی را برای کار اعضای هیئت علمی ایجاد کنند تا با همه‌ی اساتید با احترام رفتار شود. مدیران باید یک فرهنگ عدم تحمل زورگویی آکادمیک را در دانشگاه ایجاد کنند» (مصدق راد، ۱۴۰۰: ۵۰۶) و آزادی بیان در محیط دانشگاه باید تشویق شود تا هزینه‌ی قلدری برای زورگویان افزایش یابد. قوانین و مقررات ضد آزار و اذیت باید تدوین شود و کدهای اخلاق حرفه‌ای و سازمانی تقویات شوند. مدیران باید هوشیار باشند و با شناسایی کوچکترین علایم زورگویی آکادمیک، اقدامات لازم برای متوقف‌ساختن آن را به کار گیرند. فرایند شکایت در سازمان باید مشخص باشد تا قربانی بدون نگرانی، اعتراض خود را گزارش، ثبت و پیگیری کند. آموزش در زمینه‌ی قلدری آکادمیک نیز بسیار مؤثر است. فصل جدیدی در

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی شایسته‌ی تأسیس است که در اندیشه‌ی طرح‌ریزی مبانی نظری ویژه و راهبردهای افتراقی حمایتی در قبال نخبگان دانشگاهی بزه‌دیده‌ی قلدری آکادمیک باشد. در تمامی صور پژوهش‌های بزه‌دیده‌شناسی (کتب، مقالات، رساله‌ها، کرسی‌های علمی و سخنرانی‌ها و...) مطلقاً به این نوع بزه‌دیدگی پرداخته نشده و با فقدان کامل تحقیق در این عرصه، بدیهی است قوانین و مقررات حمایتی بزه‌دیده‌شناسی مدار هم وجود ندارد و این جرگه‌ی ارزشمند و مظلوم از بزه‌دیدگان، از مغفول‌ترین گروه قربانیان سوءاستفاده از قدرت هستند.

۲-۱-۲. فساد آکادمیک

فساد آکادمیک، از چالش‌های نه‌چندان قدیمی و دائماً متحولی است که قلدری آکادمیک را باید از آشکال نوین این نوع فساد دانست. برخی از جلوه‌های فساد در آموزش عالی در پژوهش‌های داخلی متعدد^۱ و نیز اخبار و گزارش‌های متعددی که در این زمینه در مقیاس جهانی منتشر شده است و البته تجارب موفق حقوقی و پیرا حقوقی اداری و فرهنگی و اقتصادی و ... جهت پیشگیری وضعیت‌مدار و پیشگیری انسان‌مدار از فساد آکادمیک در آموزش عالی کشورهای مختلف نیز در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد (حسینی هاشم‌زاده، ۱۳۹۹). این بحران، بسیار آسیب‌زا و دارای پیامدهای ناباورانه‌ای در زمینه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی، انسانی و ... است. «تعداد موارد حقوقی فساد در آموزش عالی رو به افزایش است و توجه بیشتر رسانه‌ها، قانون‌گذاران، نهادهای متعدد و عموم مردم را به خود جلب کرده است» (سلیمی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۵). مطالعات و پژوهش‌های مختلفی در سراسر جهان حاکی از آن است که این پدیده خاص یک رشته، یک دانشگاه یا یک کشور

۱. برای نمونه، مرتبط‌ترین پژوهش‌ها از حیث زمینه‌مندی برای تحلیل فساد آکادمیک از منظر جرم‌شناسی و چاره‌اندیشی برای سیاست‌گذاری جنایی در این باره را می‌توان این تحقیقات برجسته دانست: ۱- رشیدی، زهرا (۱۴۰۰)، قلدری آکادمیک، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی؛ ۲- حسینی هاشم‌زاده، داود (۱۳۹۹)، فساد دانشگاهی (گونه‌شناسی روش سنجش علل، پی‌آمدها و راهبردهای مبارزه با آن)، چاپ دوم، نشر آگاه؛ ۳- قانلی، مریم (و دیگران) (۱۳۹۷)، «علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن»، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۱.

نبوده، در تمامی کشورها وجود داشته و در حال افزایش است و نه تنها شیوع‌شناسی آن در تعداد بسیار اندکی از دانشگاه‌های ایران انجام شده (محمدیان شریف، ۱۳۹۹: ۱۶۱) و شیوه‌های سنجش فساد در پژوهش‌ها نیز با هم تفاوت‌های روش‌شناختی جمع‌ناپذیری در تحقیقات داخلی دارد،^۱ بلکه به ضرس قاطع می‌توان گفت تاکنون پژوهشی جامع در رابطه با سنجش فساد دانشگاهی در ایران - که قلدری آکادمیک، قلمرویی از گستره‌ی وسیع فساد آکادمیک است - منتشر یا انجام نشده؛ چه رسد به پژوهش‌های خاص‌تر (مثلاً از منظر جرم‌شناسی یا سیاست جنایی). وانگهی، با پیشرفت فناوری‌های جدید، بعنوان یک خطر شایع تلقی می‌شود که باید همه‌ی جوامع آن را بعنوان معضلی جدی به‌طور دقیق بررسی کنند.

در پیگیری منفعت‌های شخصی از گذر توسل به ابزارهای غیراخلاقی و ناروا در پژوهش، آموزش و دیگر فعالیت‌های علمی، قلدری آکادمیک به دو گونه‌ی مالی و غیرمالی پدیدار شده است؛ که شوربختانه نوع غیرمالی آن آسیب‌زا، وسیع‌تر و صعب‌الاحرازتر است. قلدری آکادمیک، اعتماد عمومی در یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه را مخدوش می‌کند و حامل این پیام به نسل در حال آموزش و پژوهش است که نمونه‌های فراوان بدرفتاری و بزهکاری تجرّی‌گونه و سازمان‌یافته در داخل دانشگاه‌ها و دفاتر پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی اطراف دانشگاه‌ها با تبلیغات آشکار و بی‌باک، و بازاریابی‌های فاسدتر و متهورانه‌تری در فضای مجازی به‌سهولت قابل رصد و کشف و محاکمه، فضاها و فرصت‌های بزهکاری علمی بویژه تقلب پژوهشی را به دانشجویان و حتی استادان ارزانی می‌دارد و سبک زندگی روزمره‌ی آکادمیک آنها را به خود ترغیب می‌کند، معناداری رابطه میان تلاش فردی و انتظار پاداش را از هم می‌گسلد، و بازگشت سرمایه‌گذاری اقتصادی و اجتماعی در نهاد دانش (در معنای کلان) را با انتقادات موجه مواجه می‌نماید و چشم‌انداز آینده‌ی جامعه‌ی مدنی را تیره‌وتار می‌کند.

۱. در پژوهش‌های معدود داخلی پیرامون شیوه‌های آماری فسادسنجی، تفاوت‌های بنیادی روش‌شناختی در سنجش فساد را از می‌توان از مقایسه‌ی منبع مندرج در پی‌نوشت پیشین، با این منبع متوجه شد: حسینی هاشم‌زاده، داود [و دیگران] (۱۳۹۵)، «پیشنهاد الگو و روشی برای سنجش فساد در آموزش عالی»، فصلنامه‌ی مطالعات اجتماعی ایران، شماره‌ی ۴.

مقاله‌سازی و کتاب‌سازی باعث شکل‌گیری مؤسسات سوداگرانه‌ای شده است که در کمال آزادی وعده‌ی انجام پژوهش و انتشار آن در نشریات و ناشران داخلی و بین‌المللی را می‌دهند. این زنجیره‌ی استثمار آنقدر مرسوم و رایج است که همه از آن آگاهی دارند، ولی اقدام چندانی برای مقابله با آن صورت نمی‌گیرد. طبق تجربیات زیسته‌ی اغلب ما دانشگاهیان در دوره‌ی دانشجویی، برخی مدرّسان کم‌تعهد و تازه‌کار، کتاب درسی را به چند بخش تقسیم می‌کردند و ارائه‌ی آن در کلاس را به‌طور کامل به دانشجویان می‌سپردند و البته این را نمی‌توان جلوه‌ای از فن تدریس مشارکتی نامید. توجیه عمده‌ی آنها نیز جلب مشارکت دانشجویان در فرایند یاددهی و یادگیری می‌باشد. انقیاد ظاهری (پذیرش ظاهری شرایط موجود در حالی که درون افراد آکنده از حس تنفر بابت مظلومیت آکادمیک است)، اعتراض پنهانی (شکل‌دهی طغیان‌های ناشناس اعتراض‌وار در فضای مجازی جهت رسواسازی استاد متخلف) و همدستی (تقیح استثمار آکادمیک، و همزمان هم‌نوایی با همین جریان جهت رفع نیازهای علمی و ترقی آکادمیک به همین شیوه‌ی فاسد)، سه واکنش روانی- رفتاری استثمارشدگان نسبت به کنشگران استثمار و ساختارهای استثمار آکادمیک قلدرپرور است.

۲-۱-۳. مقررات نارسا در کنترل «قلدری آکادمیک»

اهمیت قانونگذاری و مقررات‌گذاری تابع قانون در مقوله‌ی صیانت از سلامت روان بویژه در مبارزه با قلدری آکادمیک از آنجا استنباط می‌شود که نظام سلسله‌مراتب تقنینی کشور، این مهم را ایجاب می‌نماید. بند «۳-۴» سیاست‌های علم و فناوری (پیشنهادی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در فرایند تدوین برنامه‌ی پنجساله ششم توسعه، بر «رعایت اصل منفعت عام در مقابل انتفاع شخصی» تصریح داشته و بند «۱۷/۲» سند سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه، «پایبندی به اصل شایسته‌سالاری در مدیریت آموزشی و تحقیقاتی کشور» و بند «۲۹/۲» سند مزبور نیز «ارتقاء جایگاه و منزلت علم و فرهنگ عمومی جامعه، با تأکید بر علوم پایه و علوم انسانی» را مورد تأکید قرار داده است. بند ۱۳ سیاست‌های کلی برنامه‌ی هفتم توسعه (ابلاغی ۱۴۰۱ مقام معظم

رهبری) بر «کار و تلاش در جامعه با مدد شخصیت‌های اثرگذار علمی و اجتماعی و حمایت و پشتیبانی مؤثر دولت از آن» و بند ۲۰ سند نیز بر «روزآمدسازی و ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی کشور» تأکید دارد. مواد متعددی از اسناد بالادستی نظام، از جمله سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (۱۳۹۲)، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سند ارتقای سلامت روان جامعه (۱۴۰۱)، سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷) و اسناد بخشی دیگری عموماً در حوزه‌ی سیاست‌گذاری علم و فرهنگ کشور، همگی با تعابیری کلی یا جزئی، بر اهمیت رفتار شایسته و تخلق به اخلاق انسانی و پرهیز از رذایل اخلاقی بویژه در سلوک کارگزاران جمهوری اسلامی تأکید دارند.

لایحه‌ی ۳۶ ماده‌ای «سلامت روان» پس از ۱۳ سال از نخستین گام برای تدوین - از سال ۱۳۸۲ با تشکیل کمیته‌ی ویژه‌ای از اساتید دانشگاه در انستیتو روانپزشکی تهران، به پیشنهاد وزارت بهداشت - اینک از سال ۱۳۹۵ در انتظار طرح مجدد در کمیسیون اصلی دولت است که در صورت تأیید برای تصویب نهایی به هیئت دولت ارجاع و در نهایت به مجلس شورای اسلامی ارائه خواهد شد. شوربختانه، در این لایحه هیچ نشانی از حمایت در برابر قلدری سازمانی وجود ندارد و از این رو، امید به قانونگذاری در راستای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی سازمانی و جرم‌شناسی پیشگیرانه - هر دو در چارچوب تنظیم سیاست جنایی شایسته در قبال تهدیدها علیه سلامت روان در محیط کاری و بویژه آکادمیک - ضعیف است؛ مگر آنکه در مراحل آتی فرایند تقنین، یعنی در مرحله‌ی طرح در کمیسیون دولت و یا پس از آن در مرحله‌ی طرح در کمیسیون حقوقی یا کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی، موادی در این راستا بدین لایحه‌ی قدیمی و راکد و مغفول افزوده شود. البته در چنین فرضی، تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مواد خاص آن لایحه (قانون، در فرض تصویب) نیز هست و نیاز به عزم به اجرای مصمم قانون و آیین‌نامه‌های آن نیز همراه با تشکیلات و ساختار اجرایی و بودجه‌ی مناسب و ضمانت‌اجراه‌های متناسب نیز وجود دارد.

۱. برای مطالعه‌ی سیر تاریخی تدوین پیش‌نویس لایحه‌ی سلامت روان، و ارزیابی انتقادی متن لایحه، بنگرید به: نصر اصفهانی، مهدی؛ عطاری مقدم، جعفر (۱۳۹۶)، «تدوین پیش‌نویس قانون سلامت روان»، *مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، دوره‌ی ۲۳، شماره‌ی ۱.

قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶، خود حاوی زمینه‌هایی برای ترویج قلدری علمی است. برخی نمودهای نارسایی قانون مزبور در پاسداشت حقوق پژوهش و نشر که موجب جولانگری قلدران علمی هتاک و متجری می‌گردد عبارتند از: «گسترده‌گی قلمرو استثنائات مندرج در تبصره (۵) قانون مزبور، محدودسازی تکالیف پیشگیرانه‌ی نهادها به جرایم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره‌ی ۷، نقض اصل شخصی بودن مسئولیت حقوقی در تبصره‌ی ۹ قانون مزبور که نقض ناموجه حق‌الزحمه‌ی مالی اساتید قانونمدار و خدمتگذار به دانشجویانی که پایان‌نامه را دور از چشم اساتید به نحو متخلفانه/مجرمانه ارائه کرده‌اند، و خارج کردن تخلفات پژوهشی طلاب از شمول قانون و اکتفا به فقط جرایم آنها در بند (ت) تبصره‌ی ۶ قانون مزبور.» (خاقانی اصفهانی، ۱۴۰۱). همچنین نقدهایی به «دستورالعمل نحوه‌ی بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) وارد است. برای نمونه، اعمال مجازات‌های نقض بندهایی از این دستورالعمل از جمله بند «ه» در مورد تحریف داده‌ها، بند «ح-۴۱» در مورد عدم پاسخگویی استاد راهنما نسبت به محتوای پایان‌نامه، و بند «ک-۵۴» در مورد ضبط سخنرانی‌های افراد بدون اجازه، نیازمند تغییر راهبرد حقوقی وزارت عتف است. نیز در نقد بند «۵» ماده واحده‌ی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) معتقدم گردآوری داده‌ها موضوعی صرفاً شکلی و در ردیف تایپ و ترجمه نیست و نباید بی‌قید و بند، اینطور مطلق مجاز و مستثنی از ممنوعیت کلی مقرر می‌شود. نحوه‌ی گردآوری داده‌ها، خصوصاً در تحقیقاتی که نتایج آنها کاملاً مبتنی بر عین اعداد و ارقام آماری مورد داده‌کاوی است، موضوعی ماهوی است اکنون مراکز غیرمجاز پایان‌نامه‌نویسی به راحتی از این تبصره سوءاستفاده می‌کنند و در وضعیت کرونا، با قبول سفارش انجام صفر تا صد پایان‌نامه، نه فقط بخش تجمیع داده‌ها بلکه تمام متن پایان‌نامه را مصداق گردآوری داده‌ها قلمداد می‌کنند و از چنگال عدالت کیفری می‌گریزند. به علاوه، ویراستاری نیز باید محدود به ویرایش زبانی می‌شود، وگرنه ویرایش علمی نوعی از ویراستاری است و امری ماهوی است و توجیه ارائه‌ی خدمات ویراستاری - که اطلاق آن، شامل ویرایش علمی و ماهوی می‌باشد - اطلاق قانونی است که مستمسک مجرمان پژوهشی

برای فرار از اتهام و مجازات است. محدودسازی تکالیف پیشگیرانه‌ی نهادها به جرایم پژوهشی و غفلت از تکلیف به پیشگیری از تخلفات پژوهشی در تبصره‌ی «۷» ماده واحده‌ی قانون مزبور، ایراد دیگری است که رفع آن، در وضعیت کاهش فعالیت نظارتی نهادهای پیشگیرنده از تخلفات پژوهشی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. در نقد این تبصره معتقدیم آن دسته از نهادهای آموزشی حوزوی که تابع وزارت علوم هستند و حوزوی محض نیستند، بی دلیل از شمول این تبصره جا مانده اند و باید آنها نیز مکلف به اتخاذ این تدابیر پیشگیرانه باشند. نیز مشخص نیست آیا پروپوزال‌های غیر از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری را هم در بر می‌گیرد یا خیر؛ زیرا به رغم درج عبارت «پیشنهادها (پروپوزال‌ها)» در کنار عبارت «پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها»، مشخص نیست این کثرت تکرار واژه «دانشجویان» اجازه‌ی تفسیر «پروپوزال‌ها» به پروپوزال‌های غیردانشجویی - مثلاً پروپوزال‌های طرح‌های پژوهشی اساتید در پژوهشگاه‌ها - را به دست می‌دهد یا خیر. فقدان مقررات الزام به ثبت پروپوزال‌های طرح‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه در سامانه‌ی ایرانداک، این شبهه را دامن می‌زند. متأسفانه ماده‌ی ۶ آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون - مصوب ۱۳۹۸ - منصرف بودن تبصره‌ی «۸» ماده واحده‌ی قانون پیش گفته از پروپوزال‌های پژوهشی غیردانشجویی را مهر تأیید زده است و به حصر موضوع بر فقط پروپوزال‌های دانشجویی مهر تأیید زده است.

۲-۲. اهمّ «عوامل فردی» بدرفتاری آکادمیک

«اجتناب از ارتباط مستقیم، تمسخر، انگ‌زنی و تخریب شخصیت علمی قربانی، تضعیف، تحقیر و به حاشیه‌راندن او، اشاعه‌ی شایعات بی‌اساس، نظارت بیش از حد، تلاش برای یافتن عیوب قربانی، توطئه و استفاده از دوستان نزدیک قربانی برای خیرچینی، محدودسازی دسترسی قربانی به منابع سازمانی، نادیده گرفتن یا کوچک‌شماری موفقیت‌ها و بزرگنمایی خلأهای کوچک قربانی، ممانعت یا به تعویق انداختن ترفیعات او، دعوت قربانی به جلسات غیررسمی انضباطی و تهدیدهای مکرر کلامی یا کتبی به اخراج بر اساس اتهامات ساختگی یا بهانه‌های ناچیز، بازپس‌گیری مسئولیت‌های قربانی و اجبار به استعفاء، تعدیل و بازنشستگی

پیش از موعد، از جمله رفتارهای ایدایی قلدران آکادمیک است» (رشیدی، ۱۴۰۰: ۴۵). پذیرش منفعلانه و عدم مداخله از سوی قربانیان، شاهدان، مدیران و فرایندهای اداری-حقوقی که مانع بالقوه در برابر قلدری آکادمیک محسوب می‌شوند موجب پیدایش فرهنگ قلدری می‌شوند.

وانگهی، «در بحث ارتقای اعضای هیئت علمی، برخی اساتید علوم انسانی عضو هیئت‌های ممیزه دانشگاه‌ها تلاش چندانی برای دفاع از از همکاران خود در برابر فشار کنشگران آکادمیک تجربی نمی‌کنند و بعضاً حتی برعکس، هر کاری می‌کنند که تعداد ارتقاها و میزان و سرعت آنها را به حداقل ممکن برسانند» (فکوهی، ۱۳۹۷: ۳۴۲). آنها همچنین در مقالات خود، حتی با موضوع ایران، کمترین تعداد استنادها را به همکاران خود می‌دهند و ترجیح می‌دهند بیشترین ارجاعات را به نوشته‌های مولفان غربی بدهند؛ معمولاً از ترجمه‌ها در برابر تألیف‌ها دفاع می‌کنند و تألیف‌ها را بیشتر نوعی «ترجمه‌ی بزرگ‌شده» می‌دانند. در نتیجه باز هم همکاران خود را زیر سؤال می‌برند و اینگونه جلوه‌های نرم و خاموشی از قلدری آکادمیک را مرتکب می‌شوند؛ بی‌هیچ قانون و مقررات مانعی و در زمانی فقدان هیچ سیاستگذاری پیشگیرانه‌ای در کشور نسبت به رواج این بدرفتاری‌ها پژوهشی.

نحوه‌ی اعمال قدرت بر نظام ترفیع، ارتقاء و تبدیل وضعیت استخدامی اعضای هیئت علمی، از طریق مقررات و تفسیرهایی از این مقررات است که به مثابه‌ی فرایندهای انضباطی عمل می‌کند. فرایند قدرت نسبت به اساتید جوان می‌تواند به شیوه‌ی نظارت و در قالب نوعی انضباط فردی، مبتنی بر لزوم کسب امتیازهای فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و اجرایی تبلور یابد که از طریق نهادهای گوناگون آموزشی و پژوهشی مانند کمیته‌های ترفیع سالانه و هیئت‌های ممیزه اجرا شود. قلدری آکادمیک البته جلوه‌های بسیار گسترده‌تری از امتیازدهی ناعادله در کمیته‌ها و هیئت‌های مذکور دارد و طیفی از رفتارها، از اقدامات ظاهراً کوچک نظیر تن‌گفتار بدمعنا و حالت منفی نگرستن به همکار دانشگاهی تا تضييع فاحش حق یک استادتمام که بناحق از کسب امتیاز استادممتاز محروم شده است را دربرمی‌گیرد. بزهدیده‌ی قلدری آکادمیک البته گاهی بخاطر شجاعت فردی یا موقعیت آکادمیک قابل توجه و نه

چندان متزلزل، منفعل نمی‌ماند. «بقا، نقطه‌ای است که در آن مقاومت فرهنگی صرفاً راهی برای تحمل مشقات روزمره و ناعدالتی‌های زندگی در عین تلاش برای کسب سایه‌ای از شأن و احترام است؛ آنچه آشکال روزمره‌ی مقاومت و نسخه‌های پنهان مقاومت نامیده شده است» (راغفر و فدوی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). قلدری آکادمیک در مواقع مقاومت بزه‌دیده، با بروز تنش تداوم می‌یابد و این بروز، روابط قدرت را به سان صفحات رسوبی صخره‌ها در کوه‌ها به هم می‌ساید؛ گویی فشار قلدری و مقاومت بزه‌دیده شبیه طاق‌دیس و ناودیس‌هایی از نتیجه‌ی مقاومت متقابل کانی‌های معدنی در صخره‌های رسوبی است.

از منظر جرم‌شناسی فمینیستی سنتی، نتایج پژوهش رشیدی و روحانی (۱۴۰۱) که نشان می‌دهد در هر دو گروه علوم انسانی و فنی و مهندسی، قلدری میان اعضای هیئت علمی زن بیشتر از مردان است در تقابل جالب و تحلیل برانگیزی با کلیشه‌ی فرض فزونی بزه‌کاری مردان نسبت به زنان قرار دارد؛ چه آنکه شاخه‌های گوناگون جرم‌شناسی فمینیستی که برخلاف نظریه‌های پیش‌فمینیستی مانند نظریه‌های کنترل یا جرم‌شناسی مارکسیستی، به مسئله‌ی جرم و جنسیت توجه می‌کنند (دیکس‌ریدی، ۱۳۹۴: ۵۹). اما نتایج این پژوهش، با آموزه‌ی گرایش نوین جرم‌شناسی فمینیستی که امروزه دیگر بر تبیین جنسیت بانوان متمرکز نیست و بزه‌کاری زنان و مردان را نه تابع تفاوت زیستی آنها بلکه وابسته به گستره و اهمیت نقش اجتماعی آنها می‌داند، همخوان است. جرم‌شناسی فمینیستی، زمینه‌ساز توسعه‌ی بزه‌دیده‌شناسی شد. از این رو، مناسب است از جرم‌شناسی فمینیستی، به تحلیل بزه‌دیده‌شناسانه‌ی قلدری آکادمیک بپردازیم.

یکی از حیطه‌های قابل تصور برای ارتباط‌دهی میان «بزه‌دیده‌شناسی قلدری آکادمیک» با «سیاست جنایی درباره‌ی قلدری آکادمیک»، مدل سیاست جنایی آنارشیست است. در شرایط خلأ قانونگذاری و فقدان مقررات‌گذاری جهت حمایت از قربانیان قلدری آکادمیک و پیشگیری و مجازات آن، یک نوع خودگردانی و خودمدیریتی با محوریت دانشگاهیان مورد نیاز است که با تکیه بر تکرر واکنش‌های قابل انجام در خودیاری بزه‌دیده‌ی این نوع قلدری، ابتکار عمل بزه‌دیده در دفاع از حقوق آکادمیک خود که در معرض تضییع از سوی قلدرهای آکادمیک است، مشروع به نظر می‌رسد. وانگهی، چون سیاست جنایی برآیند

تعامل رشته‌های گوناگون است و غایت آن، تضمین امنیت انسان‌ها، ارتقای حقوق قربانیان و بقای جوامع انسانی و تلاش برای مدیریت پدیده‌ی جنایی اعم از جرم و انحراف است، ضمن کوشش مصمم و مداوم در مسیر توجه‌دادن به سیاستگذاران علمی کشور جهت تخلف‌انگاری انواع قلدری آکادمیک و حتی جرم‌انگاری جلوه‌های فاحش آن، و تحریک ذهن اعضای هیئت‌های تخلفات اعضای هیئت علمی و تخلفات اداری و کنشگران دستگاه‌های نظارتی بویژه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت تنویر پدیده‌ی شوم قلدری آکادمیک و جلوه‌ها و عوامل و پیامدهای آن و ابزارهای موجود و ناموجود اداری و انضباطی و مدنی و صنفی و حقوقی و کیفری، همزمان باید در تولید دانش و گفت‌وگو مناسب در ادبیات سیاست جنایی کشور در شناخت علمی این پدیده پیچیده - این انحراف یقه‌سفیدی آکادمیک - کوشش نماییم.

نتیجه

از آنجا که رسالت غایی دانش سیاست جنایی - به مثابه‌ی یکی از کاربردی‌ترین شاخه‌های علوم جنایی - کنترل جرم و تخلفات خطرناک، تأمین امنیت و تمهید بسترهای حقوقی پیشگیرانه و کیفری توسعه‌ی انسانی است و این اهداف متعالی و خطرناک نباید در لابلای نوشتگان و در زوایای مخفی اذهان باقی بمانند بلکه باید به منصفی ظهور برسند، لذا توجه به گروه‌های خاص بزهکاران و بزه‌دیدگان، بویژه آنگاه که هم‌صنف هستند و از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردارند و کمتر مورد توجه سیاستگذاران جنایی قرار دارند و مغفول واقع شده‌اند، در درک صورت نوپدید تخلفات و جرایم آنها خصوصاً ناهنجاری‌های خطرناک اما جرم‌انگاری نشده که مرتکب و قربانی آن می‌شوند، اهمیت بسزایی در توان‌افزایی و روزآمدسازی دانش و تجربه‌ی سیاست جنایی دارد. قلدری آکادمیک جلوه‌ای از جلوه‌های مغفول سیاست جنایی است.

اگر دانش بعنوان شبکه‌ی ارتباطی در علوم انسانی تلقی شود، مشارکت جویان دانایی (مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان)، می‌توانند به مفاهمی دست یابند که با یک نوع خلاقیت میان‌رشته‌ای، مفاهیم خلق‌شده را به اشتراک گذارند و به سیالیت جریان دانایی و

دانش مدد رسانند. از این رو، نیاز به شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر ارتباط علمی در محیط‌های دانشگاهی ضروری می‌نماید؛ و از این حیث موانع ارتباط علمی هم مهم به نظر می‌رسد. قلدری آکادمیک، از خشن‌ترین (خشونت نرم) و در عین حال، پیچیده‌ترین موانع ارتباط علمی است. از آنجا که شرط اثرگذاری ارتباط علمی سالم، به معنای ارتباط اقناعی و به نوعی متقاعد کردن یکدیگر است و شرط ضمنی ارتباطی نیز به معنای ایجاد نوعی نظم در خود ارتباط است و از دیگر سو، شرط هنجاری یا تنظیم روابط هم به معنای برقراری ارتباط هنجارمند و منظم است، قلدری آکادمیک در تقابل آشکار و به سان شمشیر آخته در برابر این نظم ارتباطی صحیح آکادمیک است.

اگر بخشی از اعضای هیئت علمی در برابر تغییرات بایسته (البته تغییرهای نامطلوب هم وجود دارند و منظور نظر نیست) در آیین‌نامه‌های جذب، ارتقا، پژوهانه، پایه‌های تشویقی، فرصت مطالعاتی و ... مقاومت منفعت‌مدارانه نشان دهند و این مقاومت را تا حد قلدری آکادمیک علیه همکاران تحول‌گرا و حق‌طلب و دادخواه خود به پیش ببرند، مراکز علمی متبوع آنها با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌گردند که یکی از آنها، تضعیف سرمایه‌ی انسانی و بزهکاری و بزه‌دیدگی ناشی از قلدری آکادمیک و مقاومت در برابر این قلدری است که به فرسایش سازمانی و تضعیف بهره‌وری و کاهش مشروعیت تداوم بقای آن مرکز علمی می‌انجامد. بر اساس مطالب پیش‌گفته، پرواضح است که به موازات پیشگیری فرهنگی و اداری و مدیریتی، و ای بسا مهم‌تر از آن انواع پیشگیری، پیشگیری حقوقی از قلدری آکادمیک اهمیت بسیار زیادی در کارآمدی نهادهای علمی دارد و مانع انحراف مسیر پیشرفت علمی کشور می‌گردد.

«نظریه‌ی شخصیت مجرمانه»، «نظریه‌ی تعامل‌گرایی»، «نظریه‌ی انتقادی سازمانی»، «نظریه‌ی بی‌هنجاری»، «نظریه‌ی فشار اجتماعی»، «نظریه‌ی برچسب‌زنی»، «نظریه‌ی ضعف خودکنترلی»، آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و اغلب شاخه‌های «جرم‌شناسی انتقادی»، از جمله برجسته‌ترین نظریه‌های جرم‌شناسی هستند که در پیوند با آموزه‌های علوم رفتار سازمانی و مدیریت منابع انسانی، قابلیت استخراج تبیین‌های علت‌شناسانه از «قلدری آکادمیک» را دارند و مجموعه‌ای از راهکارهایی پیشگیری وضعی و اجتماعی، پیشگیری

اولیه و ثانویه و ثالث، و پیشگیری اختصاصی و کیفی/غیرکیفری جهت کاهش عوامل ناموازنه‌ی قدرت در روابط آکادمیک از آنها قابل طراحی است. از سوی دیگر و از منظر جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناختی، قربانیان قلدری آکادمیک، افزون بر بزه‌دیدگی از سوءاستفاده از قدرت توسط همکاران دانشگاهی خود، بزه‌دیده‌ی جرم حکومتی نیز به شمار می‌روند؛ زیرا فقدان ضوابط حقوقی پیشگیرنده از قلدری آکادمیک، به‌سان ترک فعل حاکمیت در صیانت از آزادی و آرامش آکادمیک است و خود موجب تجرّی قلدرهای آکادمیسین در این زورگویی‌های جرم‌انگاری‌نشده و تخلف‌انگاری‌نشده می‌گردد. همچنین وجود مقررات اداری و رویه‌های سازمانی ترفیع، تبدیل وضعیت و ارتقاء مرتبه‌ی علمی، که اشکالات فاحش و نارسایی‌های بزرگش مورد نقدهای فراوانی قرار گرفته، ساحت ایجابی و نه فقط ترک فعلی جرم حکومتی به شمار می‌رود.

عدم اصلاح و تصویب لایحه‌ی «سلامت روان»، عدم تدوین لایحه‌ی طراحی مشاغل (بویژه در بخش اعضای هیئت علمی)، عدم اصلاح قوانین و مقررات انتظامی و ارتقاء اعضای هیئت علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشی وزارت عتف، تداوم ایرادها و خلأهای «دستورالعمل نحوه‌ی مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» و سستی در اجرای آن، و ضعف سیاست‌گذاری حقوقی شایسته در پیشگیری از تخلفات آکادمیک و واکنش به آنها، فاصله‌ی چشمگیر تا حاکمیت «دولت حقوقی» و «به‌زامداری دانش» از جمله نارسایی‌های سیاست جنایی ایران در پاسداشت سلامت روابط آکادمیک است. رشد فزاینده‌ی این چالش، موجب فریبی جریان شبه‌علم و تقویت شبهه بر ساخت‌بودن

۱. عدم توجه به تفاوت رشته‌ها (بویژه علوم انسانی)، کمی‌گرایی مقاله‌محور، تغییرات مداوم آیین‌نامه، عدم پیش‌بینی امتیاز برای انواعی از فعالیت‌های آکادمیک، رویکرد ساده‌انگارانه‌ی تحکمی نسبت به تولید علم، و دهها اشکال ریز اما خطیر و آسیب‌زا، از جمله اشکالات آیین‌نامه‌های دائماً متغیر ارتقاء اعضای هیئت علمی است. جهت مطالعه‌ی برخی از این اشکالات، ر.ک. به: جمالی زواره، بتول [و دیگران] (۱۳۹۷)، «واکوی آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت علمی: چالش‌ها و پیامدها»، *مجله‌ی آموزش عالی ایران*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱؛ عصاره، فریده؛ عقیقیان، فرزانه (۱۳۹۷)، «نقدی بر آیین‌نامه‌ی ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کشور؛ آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها»، *فصلنامه‌ی نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات*، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۵؛ مصدق، هادی؛ قندهاری، محمدتقی (۱۳۹۸)، «آسیب‌شناسی تدوین مقالات علمی، از نگاه دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ ایران»، *فصلنامه‌ی مدیریت اطلاعات*، دوره‌ی ۵، شماره‌ی

و واقعی نبودن بخشی چشمگیری از دانش خلق شده به ادعای برخی نهادهای علمی کشور است. نقد سیاست جنایی ایران در «مقابله‌ی دانشگاهی» پیشگیرانه و واکنش مدار نسبت به جلوه‌هایی قلدری آکادمیک که در «دستورالعمل نحوه‌ی بررسی تخلفات پژوهشی و مصادیق تخلفات پژوهشی» (مصوب ۱۳۹۳ وزارت عتف) و در ماده واحده‌ی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه‌ی آثار علمی» (مصوب ۱۳۹۶) به شایستگی مورد سیاستگذاری تقنینی قرار نگرفته اند، در این جستار نقد شد و برخی راهکارهای اصلاحی پیشنهاد گردید



Mahdi Khaghani  <http://orcid.org/0000-0003-2782-6112>
Esfahani

منابع

الف. فارسی

- ام.چان، استیون (۱۴۰۰)، *استادان و ناستادان*، ترجمه‌ی سعید غیائی ندوشن، چاپ دوم، مؤسسه‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ایرانی، امیر [و دیگران] (۱۳۹۴)، «تحلیل میزان بازتاب اندیشه‌های جرم‌شناسی انتقادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *نشریه‌ی اندیشه‌های حقوق کیفری*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱.
- بوک‌لی، آوی؛ کوتزه، جاستین (۱۴۰۲)، *زمینولوژی*، ترجمه‌ی هانیه هژبرالساداتی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.
- جمالی زواره، بتول [و دیگران] (۱۳۹۷)، «واکاوی آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت علمی: چالش‌ها و پیامدها»، *مجله‌ی آموزش عالی ایران*، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱.
- حسینی هاشم‌زاده، داود (۱۳۹۹)، *فساد دانشگاهی (گونه‌شناسی روش سنجش علل، پی‌آمدها و راهبردهای مبارزه با آن)*، چاپ دوم، نشر آگاه.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۲)، «نقد هم‌آیندی اقتدارگرایی پزشکی و امنیت‌گرایی کیفری در سیاستگذاری سلامت»، *مجله‌ی حقوق پزشکی*، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۵۸.
- خاقانی اصفهانی، مهدی (۱۴۰۱)، «برخی اشکالات قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی و دستورالعمل نحوه‌ی بررسی تخلفات پژوهشی»، *دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نشر؛ ادبیات معاصر ایران، ابعاد فرهنگی*، دانشگاه تهران.
- راغفر، حسین؛ فدوی اردکانی، مرجان (۱۳۹۳)، «چارچوبی تحلیلی در نظریه‌ی توسعه: فرهنگ، قدرت و نابرابری»، *فصلنامه‌ی اقتصاد تطبیقی*، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲.

رشیدی، زهرا (۱۴۰۰)، قلدري آکادمیک، چاپ اول، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

رشیدی، زهرا؛ روحانی، شادی (۱۴۰۱)، «مطالعه‌ی قلدري دانشگاهی در گروه‌های آموزشی؛ مورد مطالعه (علوم انسانی و فنی‌مهندسی)»، فصلنامه‌ی آموزش مهندسی ایران، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۹۳.

روت، دان؛ کازلاریچ، دیوید (۱۴۰۰)، پاسخ به جرم حکومتی، ترجمه‌ی نبی‌اله غلامی، پژوهشکده‌ی حقوقی شهر دانش.

سپهوند، رضا [و دیگران] (۱۴۰۰)، «رابطه‌ی قلدري سازمانی و اخلاق حرفه‌ای»، فصلنامه‌ی اخلاق در علوم و فناوری، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۳.

سلیمی، جمال [و دیگران] (۱۴۰۰)، «بررسی ابعاد فساد آکادمیک در نظام آموزش عالی: یک پژوهش آمیخته»، دوماهنامه‌ی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۲.

صفایی موحد، سعید (۱۳۹۶)، «زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده‌ی استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران»، دوفصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی آموزش عالی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۱۵.

عصاره، فریده؛ عقیفیان، فرزانه (۱۳۹۷)، «نقدی بر آیین‌نامه‌ی ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کشور؛ آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها»، فصلنامه‌ی نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۵.

فکوهی، ناصر (۱۳۹۷)، دانشگاهی که بود...، چاپ دوم، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قانع‌ی راد، امین؛ خسروخاور، فرهاد (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی کنشگران علمی در ایران، چاپ اول، نشر علم.

قائدامینی هارونی، عباس [و دیگران] (۱۳۹۶)، «الگوی ساختاری رابطه قلدري سازمانی با مقاومت در برابر تغییر در اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۳.

زمینولوژی بدرفتاری‌های آکادمیک...؛ خاقانی اصفهانی | ۴۱ |

قائدی، مریم [و دیگران] (۱۳۹۷)، «علل و زمینه‌های فساد دانشگاهی و پیامدهای ناشی از آن»، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره‌ی ۲۴، شماره‌ی ۱. گلدوست جویباری، رجب؛ حسینی، مهدی؛ داداشی، محمد (۱۳۹۷)، مقاله در: نیازپور، امیرحسن [به کوشش]، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، تألیف گروهی از استادان و پژوهشگران علوم جنایی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان. لازرژ، کریستین (۱۴۰۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دهم، بنیاد حقوقی میزان.

محمدیان شریف، کوستان [و دیگران] (۱۳۹۹)، «ساختار عاملی پرسشنامه فساد آکادمیک در آموزش عالی ایران»، فصلنامه‌ی مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳۲.

مصدق راد، علی محمد (۱۴۰۰)، «قلدری آکادمیک: تهدیدی برای شهرت و انسجام دانشگاه»، فصلنامه‌ی پایش (نشریه‌ی پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی)، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۴.

مصدق، هادی؛ قندهاری، محمدتقی (۱۳۹۸)، «آسیب‌شناسی تدوین مقالات علمی، از نگاه دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ ایران»، فصلنامه‌ی مدیریت اطلاعات، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷)، «درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و گونه‌های آن»، در: شیری، عباس [به کوشش]، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی محکومان، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ گلدوزیان، حسین (۱۳۹۷)، «جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی»، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق کیفری، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۳.

نصر اصفهانی، مهدی؛ عطاری مقدم، جعفر (۱۳۹۶)، «تدوین پیش‌نویس قانون سلامت روان»، مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، دوره‌ی ۲۳، شماره‌ی ۱. نیازپور، امیرحسن (۱۴۰۰)، پیشگیری از جرم، چاپ دوم، نشر دادگستر.

ولش، براندون. سی؛ فارینگتون، دیوید. پی (۱۳۹۴)، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه‌ی گروهی از پژوهشگران حقوق کیفری و جرم‌شناسی، چاپ اول، بنیاد حقوقی میزان.

ب. انگلیسی

- Cameron. K.S., Dutton. J.E., Quinn. R.E. (2003). *An introduction to positive organizational scholarship*, San Francisco: Berrett-Koehler.
- Carretero, N., Luciano, V. L. (2013). Prevalence and incidence of workplace bullying among Spanish employees working with people with intellectual disability, *Disability and Health Journal*, Vol.6.
- Duffy M, Sperry L. (2007). Workplace Mobbing: Individual and Family Health Consequences. *The Family Journal*, Vol. 15.
- Foltýnek, T., & Dlabolová, D. (2020). "Academic integrity in Eastern Europe: beyond corruption and plagiarism". In *A Research Agenda for Academic Integrity*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781789903775.00010>
- Mahmoudi, M., Keashly, L. (2020). Filling the Space: A Framework for Coordinated Global Actions to Diminish Academic Bullying, *Angewandte Chemie*, 133(7).
- Mattar, M.Y. Combating Academic Corruption and Enhancing Academic Integrity through International Accreditation Standards: The Model of Qatar University. *J Acad Ethics* 20, (2022). <https://doi.org/10.1007/s10805-021-09392-7>.
- Osipian, A. (2013a). Recruitment and admissions: fostering transparency on the path to higher education, *Global Corruption Report: Education*, Transparency International, Vol. 21.
- Ren, K. Fighting against Academic Corruption: A Critique of Recent Policy Developments in China. *High Educ Policy* 25, 19–38 (2012). <https://doi.org/10.1057/hep.2011.20>.
- Spagnoli, p., Balducci, C. (2017). Do high workload and job insecurity predict workplace bullying after organizational change? *International Journal of Workplace Health Management*, 10(1).
- Vasylyeva, Anna & Merkle, Ortrun, 2018. "Combatting corruption in higher education in Ukraine," MERIT Working Papers 2018-021, United Nations University - Maastricht Economic and Social Research Institute on Innovation and Technology (MERIT).
- Young, Kathleen Z., (2017). Workplace Bullying in Higher Education: The Misunderstood Academics, *Journal of Practicing Anthropology*, Vol. 39, No. 2.

Zabrodska, K., & Kveton, P. (2013). Prevalence and forms of workplace bullying among university employees. *Employee Responsibilities and Rights Journal*, Vol. 25, No. 2.

Translated References into English

- M.Chan, Steven, "Professors and Non-Professors", translated by Saeed Ghiashi Nadoshan, 2th ed, Institute of Cultural and Social Studies of the Ministry of Science, Research and Technology, 2022. [In Persian]
- Irani, A., Najafi Hajivar, M., & Najibiyan, A. (2016). An Analysis of Level of The Reflection of the Critical Criminology Thinking in Sphere of Iran's 2013 Code of Islamic Criminal Law. *Thoughts of Law Penal*, 1(1), 57-82. [In Persian]
- Jamali Zavareh, B. [et. al]. (2017). Analysis of the Regulations for the Promotion of Faculty Members: Challenges and Consequences", *Iranian Higher Education Journal*, 1(1), 79-98. [In Persian]
- Hosseini Hashemzadeh, D. (2019). *Academic Corruption (Typology of Methods for Measuring Causes, Consequences and Strategies to Combat It)*, 2nd Edition, Agah Publishing. [In Persian]
- Khaghani Esfahani M. (2023). Critics on the Co-Emergence of Medical Authoritarianism and Criminal Securityism in Health Policy-Making. *Medical Law Journal*, 17 (58): 454-473. [In Persian]
- Ragfar, H., & Fadavi Ardakani, M. (2015). An Analytical Framework in the Theory of Development: Culture, Power and Inequality. *Journal of Iranian Economic Issues*, 1(2), 91-115. [In Persian]
- Rashidi, Z., & Rouhani, S. (2022). Study of Academic Bullying in educational departments; Case study (humanities and engineering departments). *Iranian Journal of Engineering Education*, 24(93), 105-132. [In Persian]
- Sepahvand, R (et al). (2022). The Relationship between Organizational Bullying and Professional Ethics. *Ethics in Science and Technology* 2021; 16 (2): 73-81. [In Persian]
- Salimi, J. (et al). (2021). Investigating the Dimensions of Academic Corruption in Higher Education: A Mixed Study. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 12(2), 169-193. [In Persian]
- Safaei Movahhed, S. (2017). Under the Skin of University: Uncovering Academic Exploitation in Iranian Higher Education. *Journal of higher education curriculum studies*, 8(15), 7-34. [In Persian]
- Ghaedamini Harouni, A. (et al). (2017). Structural Pattern of Organizational Bullying with Resistance to Change in Faculty Members of Islamic Azad University, Tehran North Branch. *Research on Educational Leadership and Management*, 4(13), 1-34. [In Persian]

- Mosadeghrad A. (2021). Academic mobbing: a threat to university reputation and integrity. *Payesh Journal*, 20 (4) :505-507. [In Persian]
- Mosadegh, H., & Ghandehari, M. T. (2019). Pathology of Compilation of Scientific Articles, One Perspective of Students of Large Universities in Tehran. *Sciences and Techniques of Information Management*, 5(4), 72-99. [In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. H., & Goldouzian, H. (2017). Postmodern Criminology and Its Approach to Crime and Crime Causation. *Journal of Criminal Law Research*, 6(23), 9-46. [In Persian]

استناد به این مقاله: خاقانی اصفهانی، مهدی. (۱۴۰۲). زمیولوژی بد رفتاری های آکادمیک؛ نقد جرم شناختی ناموازنه ی روابط دانشگاهی قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۲(۴۵)، ۹-۴۴. doi: 10.22054/jclr.2024.73972.2593



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی